

۹۱ / ۱۱ / ۵

جلسه ۷۰

صحیح و اعم

شنبه

سال سوم

صحیح و اعم (۶)

«اسامی عبادات» کلی است

و وضع در آنها، به نحو وضع عام، موضوع له عام است

وضع و موضوع له در الفاظ عبادات = **عام** است

احتمال اینکه وضع عام، موضوع له **خاص** باشد، **بعید** است

لازمه این قول آن است که :

بگوییم اگر این الفاظ در معنای جامع (مفهوم و عنوان کلی) استعمال شدند، این استعمال، مجازی است.

یا بگوییم: استعمال این الفاظ در جامع و امثال آن، ممنوع است

که البته مجازی بودن و ممنوع بودن این استعمال بعید است

صحیحی ها نمی خواهند بگویند :

صلوۀ وضع شده است برای «صلوۀ صحیح».

که اگر چنین باشد: مفهوم «صلوۀ صحیح» می شود موضوع له صلوۀ (یعنی مفهوم صلوۀ + مفهوم صحیح).

همچنین صحیحی ها نمی خواهند بگویند :

صلوۀ وضع شده است برای «مصادیق صلوۀ صحیح»

علت محال بودن این سخن :

اولاً: در این صورت وضع عام و موضوع له خاص می شود که یک امر وجودی است و از آن، دو عنوان صلوۀ و صحیح انتزاع می شود.

اگر بخواهند بگویند یک «وجود سعی» بین افراد یک طبیعت سریان دارد، سخن غلطی است

ثانیاً: نمازی که به حمل شایع، صحیح است، آن نمازی است که همه اجزاء و شرایط را دارا باشد، حتی قصد امر، چراکه تا امر نباشد وجودش ممکن نیست. و هر نمازی غیر از چنین نمازی، به حمل شایع باطل است

کلام
حضرت
امام

در حالیکه :

صلوة شرایطی که از ناحیه امر پدید می آیند، قطعاً داخل بحث صحیح و اعم نیست.
و همچنین فسادی که از قبل نهی در عبادات و یا فسادی که در فرض اجتماع امر و نهی و غلبه جانب نهی
حاصل می شوند، طبق نظر اصولیون از محل بحث خارج هستند
در حالیکه اگر مراد «صلوة صحیح به حمل شایع» باشد، داخل در بحث می شوند

حضرت امام بر این عقیده اند که «صحیحی» ها تنها با دو فرض مواجه هستند:

۱. جایی که مفهوم صلوٰه + مفهوم صحیح لحاظ شود یعنی مفهوم «صلوٰه صحیح»

۲. جایی که مصداق خارجی صلوٰه صحیح لحاظ شود

تصور فرض سوم:

مفهوم صلوٰه از این جهت که مصادیقش دارای اثر هستند، حقیقتاً معروض صحت است و مصداق صحیح است

دلیل حضرت امام بر بطلان فرض اول:

در «صحیح» از عوارض وجود است و قید ماهیت نمی شود.

در حالیکه در تمام اصناف، علیرغم آن که عوارض وجود، پدید آورنده صنف هستند ولی در ماهیت تقید ایجاد می کنند

ان قلت :

صحت امر **اضافی** است و لذا یک شیء نسبت به **اجزاء** می تواند صحیح باشد و نسبت به **شرایط** فاسد

قلت : اولاً : مفهوم عرفاً و لغه صحّت من حیث الاجزاء و من حیث الشرایط نداریم

ثانیاً: اجزاء بدون شرایط صحیح نیستند و لذا مأمور به بدون قصد امر حتی از حیث اجزاء هم نمی تواند «صلوة صحیح» باشد. و لذا مجازاً هم نمی توان به آن «صحیح» گفت

لو سلمنا : که بتوانیم به «صلوة دارای اجزاء و فاقد شرط قصد امر»، صحیح بگوییم:

این اطلاق مجازی است در حالیکه «صحیحی ها» اطلاق صحیح بر «نماز بدون قصد امر» را اطلاق مجازی نمی دانند

عدم امکان صحت تعلیقی در اینجا

به این معنی که: «نماز بدون قصد امر» صحیح است اگر بقیه شرایط حاصل شد

ان قلت : در علم اصول صحیح و فاسد، به معنایی غیر از معنای عرفی و اصطلاح خاص علم اصول است.

قلت : این سخن غلط است و کسی به آن ملتزم نمی شود

کلام

حضرت

امام

(۳)

حضرت

امام

(۲)

سبب انتخاب صحت به معنای تمامیت توسط آخوند:

ظاهراً همین اشکال باعث شده که امثال مرحوم آخوند صحت را به معنای تمامیت بگیرند

ظاهر فرمایش آخوند:

اولاً: مفهوم صحت و مفهوم تمامیت در عرف و در لغت یکی هستند

ثانیاً: تقابل صحت و فساد، تقابل عدم و ملکه است

سؤال:

چرا تغییر صحت به تمامیت مشکل مطرح شده از ناحیه امام را حل می کند؟

کلام حضرت امام:

صحت نمی تواند ماهیت و مفهوم باشد در حالیکه تمامیت صفت مفهوم و ماهیت می شود

لذا مرحوم آخوند فرمودند صحت در اینجا به معنای تمامیت است

ما
می گوییم

اولاً:

نه در **عرف** و نه در **لغت**، مفهوم صحت با مفهوم تمامیت و مفهوم فساد با مفهوم نقصان یکی نیستند!

ثانیاً:

تقابل صحت و فساد، **تقابل تضاد** است

چراکه آنها، دو کیفیت وجودی هستند که بر اشیاء موجود خارجی عارض می شوند

و لذا:

به چیزی که با **طبع نوعیه** اش سازگار است = می گوئیم صحیح

و اگر با آن طبع سازگار نیست = می گوئیم فاسد

مجازی بودن اطلاق صحت بر ماهیت اعتباری

«صحیح» وصف مصادیق است و اگر ماهیت، معروض صحت قرار گرفت، این اطلاق مجازی است

نوع تقابل تمامیت و نقصان: تقابل تمامیت و نقصان، تقابل وجود و عدم است

اشکال

حضرت

امام بر

آخوند

ان قلت :

در حقائق بسیطه که اجزاء ندارند چگونه نقصان و تمامیت مطرح می شود؟
در حالیکه گفته اید آنها موضوعاً از تمامیت و نقصان خارج هستند

قلت :

تقابل در آنها اگر می گوئیم تام و ناقص به لحاظ درجات است

دو تفاوت فساد و صحت با نقصان و تمامیت

۱. در اولی تقابل تضاد است و در دومی تقابل عدم و ملکه
۲. نقصان و تمامیت اضافی هستند ولی صحت و فساد اضافی نیستند

اشکال

حضرت

امام بر

آخوند

(۲)